

یادداشت/ خطاهای سیاسی آل سعود

سیاست‌گذاران، مجریان و سیاست‌سازان سعودی تردیدی نکنند که این خون [شهید آیت‌الله نمر] دامنشان را خواهد گرفت و پدرشان را در می‌آورد. خدای متعال از خون بی‌گناه نمی‌گذرد. 94/10/13

سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای آل سعود اگرچه همواره مورد انتقاد دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است، اما بعد از فوت ملک عبدالله، و به دست گرفتن ارکان پادشاهی این کشور توسط ملک سلمان، سرعت و شتاب خطاهای سیاسی آنها نیز بیشتر شده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عوامل بروز خطاهای پی در پی سیاسی، رقابت‌های درونی خاندان سعودی بر سر قدرت، بی‌تجربگی و بلندپروازی‌های جاهلانه‌ی دولتمردان جدید آن است. این خطاها را حداقل در دو سطح داخلی و منطقه‌ای می‌توان مورد بررسی قرار داد:

سطح داخلی

رهبران جدید سعودی تمایل زیادی دارند که خود را به‌عنوان رهبر جهان اسلام به سایر کشورها معرفی کنند و برای نیل به این مهم، از هیچ اقدامی فروگذار نیستند. همین موضوع سبب شده است تا با چالش‌های داخلی و منطقه‌ای زیادی روبه‌رو شوند که این چالش‌ها به‌دلیل احساس تهدید امنیتی و هویتی در ماه‌های اخیر به اوج خود رسیده است. هیچ‌گونه اعتراضی را تحمل نمی‌کنند و هرگونه اعتراضی را تهدید امنیتی برمی‌شمرند. برای مثال روزنامه‌ی آمریکایی «نیویورک تایمز» در گزارشی ضمن اظهار نظر در خصوص وضعیت داخلی عربستان به‌عنوان «وضعیت سرکوب علیه مخالفان»، بیان می‌دارد: «اعدام روحانی شیعه‌ی محبوب شیخ نمر باقر النمر و ۴۶ زندانی دیگر در روز شنبه بدترین روشی بود که عربستان سعودی می‌توانست با آن سالی تیره‌وتار و پرهیاهو را برای این کشور و سراسر خاورمیانه رقم بزند. تصور این امر سخت است که حاکمان این پادشاهی از تبعاتی که این اقدام می‌توانست برای منطقه به دنبال داشته باشد ناآگاه بودند. آنها حتی ممکن است قصد داشته باشند از واکنش‌های شدید در ایران و دیگر کشورها به‌عنوان دستاویزی برای انحراف اذهان از مشکلات اقتصادی داخلی و سرکوب کردن مخالفان بهره‌برداری کنند. اتحاد دیرینه‌ی آمریکا با آل سعود هیچ دلیلی برای دولت او با ما محسوب نمی‌شود تا بی‌پروا در این زمینه وارد عمل نشود و تنها هر دو طرف را به

خویشن‌داری فرا بخواند.»^۱

در خصوص «وضعیت سرکوب» سعودی‌ها، پایگاه اینترنتی آمریکایی پولتیکو، اظهار داشت: «عربستان سعودی یک کشور سرکوبگر است و از حامیان اصلی داعش، القاعده و طالبان به حساب می‌آیند. عربستان در تلاش برای ترویج وهابیت بوده و از آن‌ها حمایت می‌کند.» این پایگاه تحلیلی همچنین بیان می‌دارد بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ تروریست از عربستان در عراق و سوریه در حال نبرد با حکومت‌های این کشورها هستند و پیوند ایدئولوژیک و ثیقی بین عربستان وهابی و تکفیری‌های داعش وجود دارد و روش عربستان برای اعدام شیخ نمر و سایر افراد را چیزی شبیه داعش قلمداد می‌کند.^۲

بی‌تردید اعدام شیخ نمر یکی از خطاهای سیاسی داخلی آل‌سعود است تا جایی‌که حتی متحدان این کشور نیز اقدام سعودی را غیرعقلانی ذکر کرده‌اند. هیلاری کلینتون نامزد انتخابات آتی ریاست‌جمهوری آمریکا اظهار داشت: «فکر نمی‌کنم آن‌ها تصمیم هوشمندانه‌ای اتخاذ کردند. اعدام روحانی این کشور که موجب ناآرامی‌های وسیع در خاورمیانه شده است، منطقه را بیشتر شعله‌ور می‌کند.»^۳ اندیشکده‌ی «دفاع از دموکراسی‌ها» نیز در گزارشی به قلم «دیود آندرو وینبرگ» پیرامون «ابعاد اعدام شیخ نمر و تأثیر آن بر اوضاع منطقه» نوشت «اعدام شیخ نمر سرکوب استبدادی بوده است تا مبارزه علیه اعمال خرابکارانه.»^۴ همچنین روزنامه‌ی آلمانی بیلد در تیتراژ اول خود در روز ۱۴ دی ۱۳۹۴ عنوان داشت: «عربستان سعودی چیزی جز نفت، خرما و تروریسم برای جهان ندارد.»

واشنگستن پست نیز در مطلبی تحت عنوان «رژیم بی‌پروای عربستان سعودی» معتقد است که شاه سلمان، سال اول پادشاهی خود را به حرکت جسورانه و بی‌پروایی اختصاص داده است تا قدرت خانوادگی سلطنتی را هم در درون و هم در خارج از کشور تقویت کند. اعدام یکی از روحانیون شیعه، نشانه‌ای برای بیان سرکوب علیه اقلیت شیعیان عربستان بود. در حال حاضر او یک گام بسیار خطرناک برداشته است.»^۵

سطح منطقه‌ای

دولت سعودی که روند بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی و منطقه را بر ضرر منافع خود می‌دید، در سال‌های اخیر کوشیده است با دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم، به‌زعم خود اوضاع را کنترل کند. اما نتیجه‌ی آن چیزی جز افزایش خشونت و پرورش جریان‌های تکفیری و تروریستی در منطقه نبوده است. اشتباهات سعودی در سوریه به گونه‌ای بود که وقتی ایران در حال ایفای نقش در سوریه برای حل بحران این کشور بود و

عربستان از این امر ممانعت می‌کرد حتی فیلیپ هاموند، وزیر خارجهی انگلیس موضع وزیر خارجهی عربستان در قبال نقش ایران در عربستان را اشتباه توصیف کرد.^۶

همچنین روزنامه‌ی بلومبرگ در مقاله‌ای به بررسی اوضاع غرب آسیا پرداخته و با کنار گذاشتن سهم غرب در به‌وجود آوردن بحران سوریه، به نقل از برخی از تحلیلگران می‌نویسد: «بحران سوریه را عربستان به‌طور عمدی به راه انداخت و هدف از آن ریشه‌کن کردن تلاش‌های اوباما برای حل‌وفصل درگیری‌ها در منطقه به‌ویژه در سوریه است.»^۷

سوریه البته تنها اشتباه سیاسی عربستان در منطقه نبود. بی‌تجربگی رهبران جدید آل‌سعود سبب شد همسایه‌ی جنوبی عربستان از نُه ماه پیش، مورد حمله قرار گیرد. حمله‌ی وحشیانه به یمن یکی از نمونه‌های عینی و اخیر اقدامات ضدانسانی عربستان است به‌طوری‌که در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۹۴ یونسف اشاره کرد که در حملات عربستان به یمن، ۶۰۴ کودک یمنی کشته و ۹۸۰ تن دیگر نیز زخمی شدند و ۵۰ درصد کودکان با تخریب مدارس و مراکز آموزشی در این کشور، از حق ادامه‌ی تحصیل محروم شده‌اند.



جنگ در یمن به قدری فاجعه بار بوده است که باربارا بودین، استاد دانشگاه جرج تاون و سفیر سابق آمریکا در یمن، در نشستی برای بررسی تحولات یمن در مؤسسه‌ی تحقیقاتی وودرو ویلسون در واشنگتن گفت: «حمایت آمریکا از عربستان سعودی در جنگ یمن، همسو با منافع

آمریکا نیست.» وی در تشریح علل این اشتباه گفت: «علت اول اینکه این جنگ به خوبی پیش نرفته است و هزینه‌های انسانی این جنگ بسیار تکان‌دهنده و زیاد است.» او ادامه داد: «محاصره کردن بندرهای یمن و جلوگیری از ورود محموله‌های کمک‌های بشردوستانه به این کشور، جنایت جنگی به شمار می‌رود و تاسف‌آور است وقتی تلاش‌هایی برای تحقیقات درباره‌ی واقعیت‌های جاری در یمن صورت می‌پذیرد، ایالات متحده مانع این تلاش‌ها می‌شود... آمریکا در این جنگ کاملاً شریک جرم است و بی‌تردید، این وضع در آینده برای آمریکا نتایج خوشایندی نخواهد داشت.»^۹ همچنین روزنامه‌ی آمریکایی «نیویورک تایمز» نیز با اشاره به اینکه دخالت نظامی عربستان در یمن، تمامی روزنه‌های امید برای برقراری ثبات در آن کشور را از بین برد نوشت: «حملات آل‌سعود نتایج فاجعه‌باری را به دنبال داشته است، به طوری که در حمله به یکی از اردوگاه‌های آوارگان در یمن، ۴۰ نفر کشته شدند.»^{۱۰}

علاوه بر یمن، بحرین نیز که بعد از موج بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ به سمت مطالبات اسلامی حرکت می‌کرد، با یورش و لشکرکشی عربستان برای سرکوب خواسته‌های خویش مواجه شده است. علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از مردم عادی در این کشور با حمایت‌های سعودی، بسیاری از خانه‌ها و حدود چهل درصد از مساجد این کشور نیز تخریب شده است.

تشت رسوایی مدعیان حقوق بشر

همه‌ی این‌ها اما در حالی است که مدعیان طرفداری از حقوق بشر، نه تنها چشمان خود را در برابر جنایات گسترده‌ی این رژیم بسته‌اند بلکه حتی از آن حمایت هم می‌کنند در حالی‌که عربستان سعودی به تنهایی برای ننگین بودن کارنامه‌ی محافل حقوق بشری دنیا و مدعیان این حقوق کافی است. در سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی در هنگامه‌ی سفر باراک اوباما به عربستان و ملاقات با ملک سلمان، کریستوف دلوار، دبیرکل سازمان گزارشگران بدون مرز «جایگاه عربستان را در میان ۱۸۰ کشور، در راستای رتبه‌بندی جهانی آزادی بیان، صدوشصت و چهارم اعلام کرد.»^{۱۱}

با این همه، رؤسای جمهور کشورهای غربی با هیأت‌های بلندپایه وارد عربستان می‌شوند و با این کشور قراردادهای تسلیحاتی و نفتی امضا می‌کنند. درست یک سال پیش، اوباما به همراه تیم همراه برای سفری سه‌روزه عازم عربستان شد. سفری که بدون توجه به نقض گسترده‌ی حقوق بشر، نقض آزادی بیان، نداشتن انتخابات، نقض حقوق زنان، نداشتن پارلمان، موروثی بودن حکومت، نداشتن حزب و رسانه‌ی مستقل، مواجهه‌ی

نظامی علیه انقلاب‌های مردمی و حمایت از تروریسم و صرفاً با ملاحظه‌ی قراردادهای تسلیحاتی آمریکا انجام شد. این موضوع نشان‌دهنده‌ی این است که معیارهای حقوق بشری مجامع بین‌المللی، متناقض، دوگانه و مبتنی بر منافع مادی حاصل از ارتباط با بنگاه‌های تسلیحاتی و اقتصادی است.

هفته‌نامه‌ی فرانسوی «ژورنال دو دیمانش» نیز با انتقاد از سفر فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور این کشور به عربستان می‌نویسد: «اولاند طی سه سال ریاست‌جمهوری‌اش، برای چهارمین بار به عربستان سفر کرد.» داگلاس هربرت، کارشناس مسائل سیاسی، در گفت‌وگو با شبکه‌ی «فرانس ۲۴» بیان می‌کند: «اولاند به‌عنوان رئیس‌جمهور کشوری که خود را سرآمد حقوق بشر می‌داند، به‌یکباره به کشوری می‌رود که فعالان حقوق بشر آن را یکی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر می‌دانند.»^{۱۲} بی‌شمارانه‌تر اما اینکه پایگاه خبری «اخبارالساعه» امارات بیان می‌دارد رئیس‌جمهور فرانسه به ریاض اطمینان داده است که در تجاوز علیه مردم یمن می‌تواند روی کمک‌های همه‌جانبه‌ی پاریس حساب کند.^{۱۳}

فرجام سخن

هر چه زمان بیشتری سپری می‌شود بیشتر دست دولتمردان سعودی در منطقه در حمایت از تروریسم رو می‌شود. زمانی رهبران این کشور از اظهار حمایت علنی علیه ناآرامی در منطقه خودداری می‌کردند و در ظاهر سعی می‌کردند خود را موجه نشان دهند، اما با مرگ پادشاه پیشین و روی کارآمدن دولتمردانی بی‌تجربه و جوان، پرده از صورت واقعی رهبران این کشور افتاده و به‌صراحت دست به اعدام‌های دسته‌جمعی و نسل‌کشی زده‌اند. حمایت از تروریست‌ها در سوریه، لبنان، عراق به‌صورت حمایت‌های نیابتی از آشوب در منطقه و مداخله‌ی مستقیم در یمن نمودهای بارز رفتارهای ناهنجار عربستان در منطقه است. اعدام شیخ نمر نیز عینی‌ترین سطح فعالیت تروریسم دولتی عربستان در منطقه است که یقیناً آن‌چنان که رهبر انقلاب به آن اشاره کردند، تاوان خون این شهید مظلوم را خواهند داد.

پی‌نوشت‌ها :

۱.
http://www.nytimes.com/2016/01/05/opinion/saudi-arabias-barbaric-executions.html?_r=

۲.
<http://www.politico.com/magazine/story/2015/12/san-bernardino->

۳. <http://www.politico.com/story/۲۰۱۶/۰۱/hillary-clinton-saudi-arabia-۲۱۷۳۰۶>
۴. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۱۰۱۳۰۰۱۲۳۲>
۵. https://www.washingtonpost.com/opinions/a-reckless-regime/۲۰۱۶/۰۱/۰۳/۶۷۰۵۶۴۹c-b۲۲۶-۱۱e۵-۹۳۸۸-۴۶۶۰۲۱d۹۷۱de_story.html
۶. <http://www.ettelaat.com/etiran/?p=۱۶۱۶۰۱>
۷. <http://alef.ir/vdceowλxxjhλwvi.b۹bj.html?۳۲۲۸۹۳>
۸. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۸۲۷۰۰۱۶۴۷>
۹. <https://www.wilsoncenter.org/event/yemen-between-war-and-political-solution>
۱۰. <http://fa.alalam.ir/news/۱۶۹۴۱۳۸>
۱۱. <http://fa.alalam.ir/news/۱۷۳۵۴۷۴>
۱۲. <http://www.irna.ir/fa/News/۸۱۵۹۷۷۹۵/>
۱۳. <http://www.irna.ir/fa/News/۸۱۵۹۷۷۹۵>